

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۲

نبرد با شیاطین

دزد شیطانی

دارن شان

ترجمه فرزانه کریمی





دروون روشنائی

مردم فکر می‌کنند که من دیوانه‌ام، چون لکه‌های نور می‌بینم. از اول زندگی، همیشه آنها را دیده‌ام. لکه‌های عجیب و رنگارنگ نور که توی هوا می‌چرخند، اندازه‌شان با هم فرق دارد. بعضی از آنها به کوچکی یک سکه‌اند و بعضی به بزرگی یک قوطی شیر خشک بچه. همه جور شکلی هم دارند - هشت ضلعی، مثلثی، ده ضلعی. بعضی از آنها سی یا چهل تا سطح دارند. اسم چنین شکلی را نمی‌دانم. چهل وجهی؟

از دایره خبری نیست. همه این لکه‌ها دست‌کم دو تا کناره مستقیم دارند. چند تایی از آنها انحنای قلبی‌هایی شبیه نیم‌دایره هم دارند، اما تعدادشان زیاد نیست.

هر رنگی که فکرش را بکنی. بعضی از آنها درخشان‌اند و بقیه‌شان درخشندگی ماتی دارند. گاهی چند تا از نورها ضربان پیدا می‌کنند، اما به طور معمول، همان طور که در هوا معلق‌اند،